

بهادار سازش

کارکرد دانشگاه‌ها در فرآیند توسعه کارآفرینی در سطح جامعه

کارآفرینی و مشارکت نهادمند دانشگاه در توسعه کارآفرینی یکی از رویکردها یا آرایه‌های دیدمان در حال ظهور برای توسعه دانشگاهی است. در کنار این آرایه، توجه به پژوهش‌های کاربردی، خدمات رسانی روزآمد و فراگیر همساز با نیازهای متغیر اعضا و نهادهای مختلف جامعه، برقراری و تقویت پیوندهای نوآورانه متعامل مشتمل بر اقدامات مشترک، پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری و... نمونه‌ای از ساختارهای برخاسته از دیدمان در حال ظهور توسعه دانشگاهی به شمار می‌روند. قطعاً بهینه‌دست پیوند جامعه و دانشگاه بسان یک نهاد پویا نظام‌های حمایتی در حوزه بازرگانی، فنی، مالی و آموزشی/تحصیلی را به همراه دارد که سبب ساز پایدار نهادمند دانشگاه خواهد گردید که در نوع خود سودمندی دیالکتیک نهاد دانشگاه و جامعه با تمام نظام‌ها و نهادهای مربوطه در حوزه‌های مختلف را سبب خواهد گردید (شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

بر این اساس، کارگزاران دانشگاهی بسان کنشگران اجتماعی متعهد و پاسخگو، می‌بایست با رصد نمودن تغییر و تحولات تأثیرگذار و شناسایی ضرورت‌های تحول و جهت‌گیری‌های نهادی مورد نیاز، ضمن بازتعریف رسالت‌ها و مأموریت‌های مورد انتظار، و ساخت ظرفیت‌های بسنده، در پی ایفای نقشی نهادمند، پویا و سیستمی در فرآیند بالندگی پایدار ملی برآیند. این امر خود نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت و تحلیل جامع نگر و کلیت مدار و آگاهی از سازه‌های سازنده و بر سازنده و ساز و کارهای مقتضی است. در این مقاله، دانشگاه در راستای توسعه کارآفرینی، بسان یک رفتار نهادی، مورد بررسی قرار گرفته است.

دولتی، تأکید بر پژوهش‌های بنیادین، در راستای رسیدن به دانش منتج از پیشرفت در پژوهش‌های بنیادین، تربیت دانشجویان تحصیلکرده برای جامعه، شناسایی حرفه‌ای و نهادین دانشگاه، برخاسته از کارکرد خدمات رسانی فرادانشگاهی یا برون‌رسانی به عنوان امتداد طبیعی نقش‌های پژوهشی و آموزشی دانشگاه، به سامان‌دهی و هدایت دیدمان در حال ظهور دانشگاه تغییر رویکرد داده شود. در دیدمان در حال پیدایش دانشگاه، به‌سامان‌دهی و هدایت دیدمان در حال ظهور پیدایش دانشگاه سرمایه‌گذار، یادگیرنده یاد دهنده و کارآفرین، مجموعه‌نویسی از نیروهای بیرونی و درونی (تغییرات خط‌مشی عمومی دولت، نهادهای دولتی، تکنولوژی‌های پیچیده، برنده و انقلابی‌نیزمند سرمایه‌گذاری چندجانبه، نیازهای چندجانبه، نیازهای نیروی انسانی و تکنولوژیکی بخش‌های اقتصادی، نیازهای چندجانبه و پیچیده پژوهش بنیادین و تکنولوژی در حال پیدایش، تحول تقاضاها برای برنامه‌های آموزشی و تغییر برنامه درسی، انتظارات دانشجویان هیأت علمی، پاسخگویی به تقاضا برای آموزش مستمر با هدف پیشرفت فنی، حرفه‌ای شخصی) به ساتکارهای ارتباطی و نظام‌های حمایتی می‌انجامد که رسالت پژوهشی، آموزشی و خدمات رسانی دانشگاه را تغییر می‌دهند. تأثیرگذاری محرک‌های مزبور بر مأموریت‌های سنتی دانشگاه در مورد پژوهش، آموزش و خدمات رسانی، تفاوت عملکرد، گستره، ساز و کارها و ساختارهای مالی و تشویقی را در دیدمان در حال ظهور باعث می‌شوند.

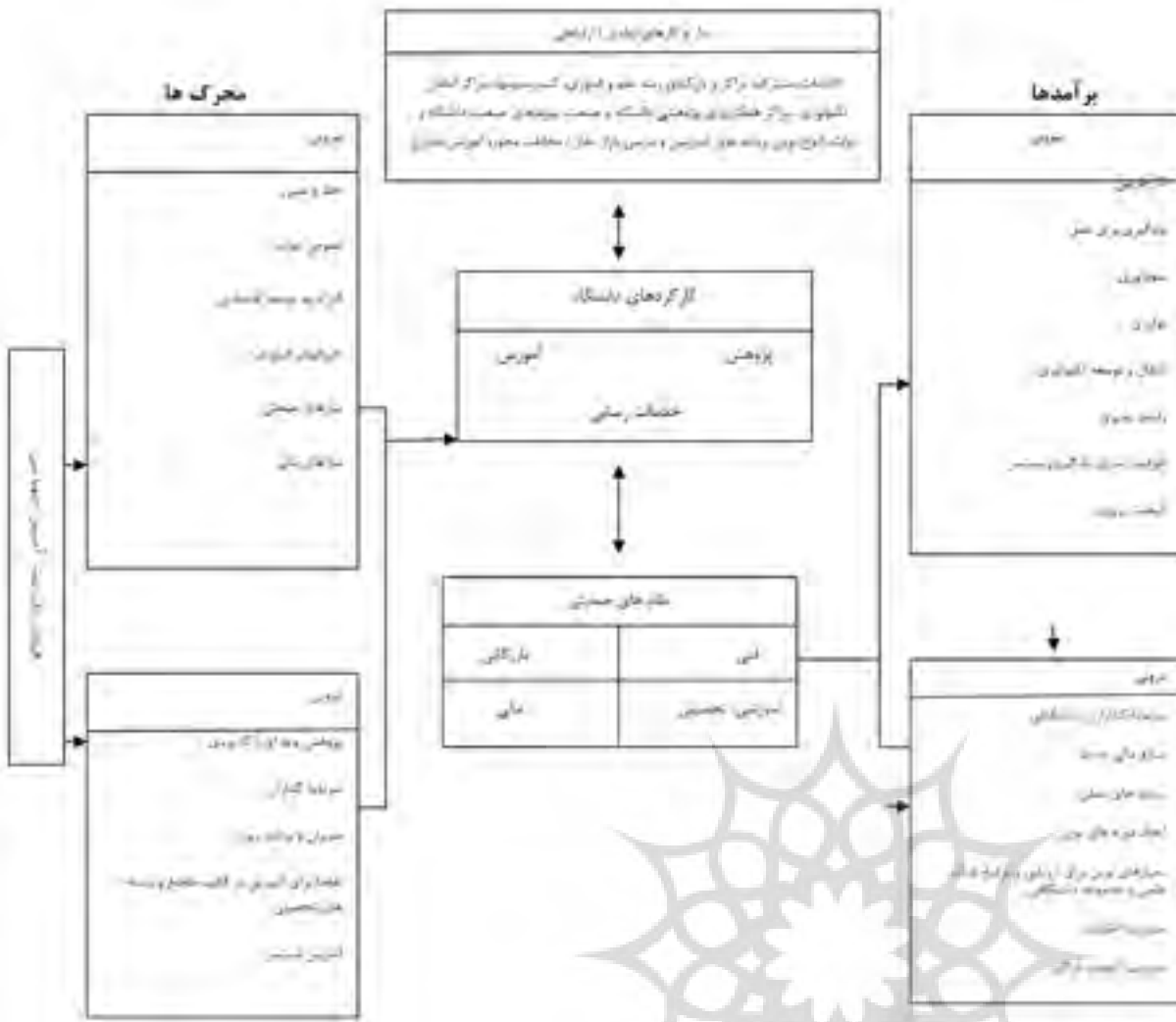
همانطور که از نگاره (۱) بر می‌آید، دانشگاه

امروزه تمامی کشورها برای دستیابی به هدف‌های راهبردی ملی، رشد اقتصادی و تولید ثروت، پویایی فرهنگی، تعالی مدنی و انسجام اجتماعی و بطور کلی طی طریق در سیر توسعه پایدار بر مبنای بسط نوآوری، فناوری و کارآفرینی، مدیریت دانش و دانایی محوری در سطوح و حوزه‌های مختلف، در پی بالندگی سرمایه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی خویش می‌باشند. به همین منظور دولت‌ها قسمت اعظم بودجه سالانه خود را به بخش آموزش، به ویژه آموزش عالی و بهسازی کیفیت تولید آموزش نیروی انسانی، اختصاص می‌دهند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۲). در واقع، آموزش عالی بیانگر نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم‌سازی زمینه بالندگی دانش، مهارت و نگرش نیروی انسانی در حوزه‌های فنی، حرفه‌ای و مدیریتی بخش‌های مختلف نه تنها موجب ترویج دانش می‌گردد، بلکه با پیشرفت‌های پژوهشی، فناورانه و علمی که به ارمغان می‌آورد؛ زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌سازد.

توسعه هستند نیز از این قاعده نیستند. چنان‌که اکنون بر اساس دغدغه‌های دانایی‌پروری ملی، به نوعی تحول نهادی انقلاب‌گونه در کل اهداف و فرآیندهای دانشگاهی نیاز است تا این نهاد، شایسته‌وارانه، وظیفه خویش را که ارتقای فرزاندگی و بالندگی ملی است و نه کانالیزه کردن صرف دانش، به انجام رساند. اسمیلر و همکاران (۱۹۹۲) بر این باورند که نیروهای محیط بس رقابت‌آمیز جهانی ایجاب می‌کند نسبت به ارزیابی دوباره نقش دانشگاه مبادرت ورزیده شود و از تمرکز بر دیدمان سنتی متصف با آرایه‌هایی همچون تمایل به کسب اعتبار آکادمیک، تکیه بر منابع مالی

امروزه تمامی نظام‌های بشر ساخت به‌سان هستارهای اجتماعی در فرآیند متلاطم و پویای توسعه به نوعی تغییر و تحولات سریعی را تجربه می‌نمایند. در این بین لازم است که تمامی نظام‌های مزبور ضمن تدوین چشم‌اندازهای خویش برای حرکت به سوی آینده، رسالت‌های خویش را در قبال سایر نظام‌ها به مثابه جریان داد و ستد نهاد-ساده مرسوم در دیدگاه نظام‌های باز، ملحوظ نمایند تا بتوانند طبق خاصیت پویایی خویش، طی طریق نموده و تحقق اثر بخشو کارآمد اهداف نهادی را ممکن سازند. دانشگاه‌ها که همواره مدعی تربیت نیروی انسانی برای

نگاره (۱) دیدمان در حال پیدایش دانشگاه (اقتباسی توأم با تعدیل از اسمیلر و همکاران، ۱۹۹۲)



نقش آفرینی دانشگاه، در فرآیند توسعه کارآفرینی: ضرورت ها، مفاهیم و رویکردها

ریشه واژه دانشگاه را به قرون وسطی نسبت می دهند و مربوط به موسسه ای بود که بدان عنوان های School universitas magistrorum, arium parisiensium (۱۲۱۵ م.) اطلاق می شد که بعداً به سوربن معروف شد. به دنبال آن، دانشگاه های آکسفورد و کمبریج انگلستان در ۱۲۸۴ م. و هیدلبرگ ۱۳۸۶ م. کولین ۱۳۸۸ و توپینگن در ۱۴۷۷ در ایالات مختلف آلمان ایجاد شدند. به دنبال جنگ جهانی دوم، موج عظیمی از متفکران کشورهای اروپایی برای فرار از نازیسم به آمریکا مهاجرت کردند و مبنای همبولدی (هامبولتی) دانشگاه های آمریکا را - اولویت تحقیق بر آموزش - تقویت نمودند (یمینی، ۱۳۸۲). دانشگاه های دنیا در طی دهه های اخیر دوره های مختلفی را پشت سر گذرانیده اند. (فراستخواه، ۱۳۸۳):

- ۱- دانشگاه های نخبه پرور (تا نیمه سده ۲۰ میلادی)؛
 - ۲- مواجهه دانشگاه ها با تقاضای انبوه اجتماعی (از دهه ۵۰ میلادی)؛
 - ۳- مواجهه دانشگاه ها با جنبش های اجتماعی (دهه ۶۰ میلادی)؛
 - ۴- مواجهه دانشگاه ها با مقتضیات بازار، صنعت و دنیای کسب و کار (از دهه ۷۰ میلادی)؛
 - ۵- مواجهه دانشگاه ها با تحولات فراصنعتی و جامعه اطلاعاتی (از دهه ۹۰ و هنوز ادامه دارد).
- در حال حاضر، بروز تحولات انقلاب گونه در عرصه های فناوری (اطلاعات و ارتباطات، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی) نهادی و اقتصادی (جهانی شدن، رقابتی تر شدن، خصوصی سازی، دانایی محوری و توسعه کارآفرینی و...) سبب ساز رویرویی نهاد دانشگاه با یک سری چالش های اساسی شده است. تحولات انقلاب گونه معاصر از پتانسیل ها و ظرفیت های هم افزایانه قابل ملاحظه ای جهت رشد اقتصادی و بالندگی همه جانبه در سطوح مختلف برخوردارند (داریانی، ۱۳۸۲؛ مختاری اسکی، ۱۳۸۴).

برای نمونه می توان از فرصت های حاصل از رشد فناوری برای سازماندهی کسب و کارهای کارآفرینانه بهره گرفت و از تسهیلات شبکه ای حاصل از رشد فناوری برای سازماندهی کسب و کارهای کارآفرینانه بهره گرفت و از تسهیلات شبکه ای حاصل از رشد فناوری های اطلاعات و ارتباطات به عنوان مظاهر تبلور یافته انقلاب دیجیتال برای توسعه کسب و کارهای شکل گرفته در سطح اقتصاد مقیاس بهره گرفت (نگاره ۲).

نگاره (۲) ارزش زایی هم افزایانه تحولات انقلاب گونه معاصر (اقتباسی از داریانی، ۱۳۸۲) انقلاب دیجیتالی

انقلاب کارآفرینانه پیشرفت های فناوریانه

با بررسی دستاوردها و پیامدهای حاصل از پیشرفت های برشمرده شده می توان بیان داشت که توسعه و تلفیق نوآوری و فناوری جهت بهره گیری از فرصت ها و مزیت های نسبی و دستیابی به ارزش افزوده بیشتر از رهگذر رقابت پویا در

- کنش و بر همکنش دانشگاه با محیط دارای جهت گیری توسعه کارآفرینی است. این برداشت با درگیری کارآفرینانه دانشگاه در پرتو کارکرد خدمات اجتماعی یا برون رسانی دانشگاهی همسو است و جایگاه دانشگاه را بسان یک کارآفرین اجتماعی متبلور می سازد.

با توجه به تکرر دیدگاه ها و تنوع ابعاد و مولفه ها، رویکردهای مختلفی را می توان در تحلیل و تبیین کارآفرینی مورد توجه قرار داد. در ادامه برخی از این رویکردها مورد بررسی قرار گرفته اند.

نگاره (۳) سیر تطور کارکردی دانشگاه (اقتباسی توأم با تعدیل از: Zhou and Etzkowitz, ۲۰۰۴)

رویکرد ایجابی فرصت مدارانه: در باب ضرورت و اهمیت نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی می توان بیان داشت که پرورش نیروهای کارآفرین و دانش آموزان توانمند یکی از رسالت های محوری دانشگاه است. با اینحال، نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی تنها محدود به کارکرد پرورش کارآفرینان دانش آموزان توانمند یکی از رسالت های محوری دانشگاه است. با اینحال، نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی تنها محدود به کارکرد پرورش کارآفرینان دانش آموزان نیست. (دانشگاه کارآفرینانه یا کارآفرین پرور بر مبنای تلفیق کارآفرینی در نظام آموزشی)، بلکه انتظار می رود دانشگاه ها بر روی پیوستار توسعه کارآفرینی

غیره در حمایت از کارآفرینی - تلفیق رویکردهای کارآفرینانه در تمامی کارکردهای دانشگاه (آموزش، پژوهش، خدمات اجتماعی و ترویجی دانشگاهی و سیستم گردان و مدیریت امور)

- جذب افراد کارآفرین و حمایت از کارآفرینی کنشگران امر، اعم از دانشجو، اعضای هیأت علمی، مدیران و غیره.

در این بین لازم توجه است که صرف پرداختن به فعالیت های کارآفرینی نمی تواند نمایای دانشگاه کارآفرین باشد. در عوض، آرایه سوم بیشتر نمودگار چنین دانشگاهی است. اما برای اینکه دانشگاه در نقش نهاد کارآفرین ظاهر شود، به نظر می رسد

می بایست تمامی آرایه ها را داشته باشد. روپک (J. Ropke, ۱۹۹۸) سه برداشت خویش را از دانشگاه کارآفرین تحت عنوان دانشگاه بسان یک سازمان کارآفرین و نقش آفرین نوآور، دانش زا در توسعه منطقه ای در پرتو اقتصاد جهانی به شرح زیر برشمرده است:

- خود دانشگاه به عنوان یک سازمان، کارآفرین می شود. این برداشت، بیشتر با مفهوم کارآفرینی سازمانی هممنوا است.

- کنشگران دانشگاه (دانشجو، هیأت علمی، کارکنان) در نقش کارآفرین ظاهر می شوند. در این صورت، افراد مزبور بسان کارآفرینان مستقل می توانند عمل نمایند و وظیفه دانشگاه، تسهیل کارآفرینی است.

محیط رقابت آمیز کنونی جهت دستیابی به توسعه پایدار نیازمند جهت گیری کنشگران امر، از جمله دانشگاه در راستای توسعه کارآفرینی می باشد. در ارتباط با نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی مفاهیم و دیدگاه های مختلفی وجود دارد. اودرش و همکاران (Audretsch, et al, ۲۰۰۶) با طرح این پرسش که آیا اقتصاد کارآفرین

نیازمند دانشگاه کارآفرین است؟ دانشگاه کارآفرین و کارآفرینی دانشگاه ها را از ملزومات اقتصاد کارآفرین برشمرده اند. با توجه به اهمیت و ضرورت امر، آموزش معطوف به کارآفرینی در دانشگاه های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رو به افزایش است (آراسته، ۱۳۸۲). در این راستا مسیرهای مختلفی برای سیر دانشگاه در راستای کارآفرینی وجود دارد. آموزش دانش افزایانه، مهارت آموزی تخصص - ادراکی با رویکرد توسعه کسب و کار و توانمندسازی کارآفرینانه از این جمله اند (داریانی، ۱۳۸۲). زهووازکوویتز (Zhou, C. and H. Etzkowitz, ۲۰۰۴) چند آرایه زیر را برای دانشگاه کارآفرین برشمرده اند:

- حمایت برنامه ریزی شده و سامان مند از فعالیت های کارآفرینی

- طراحی و توسعه ساختارهای نهادمند نظیر دفتر انتقال فناوری، ارتباط با صنعت، مراکز رشد دانشگاهی، راه اندازی بنگاه و کسب و کار از سوی دانشگاه، مشارکت در پارک های علم و فناوری و

در باب ضرورت و اهمیت نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی می توان بیان داشت که پرورش نیروهای کارآفرین و دانش آموختگان توانمند یکی از رسالت های محوری دانشگاه است. با اینحال، نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی تنها محدود به کارکرد پرورش کارآفرینان دانش آموختگان توانمند یکی از رسالت های محوری دانشگاه است.

در پرتو تسهیلگری های مستمر و فرآیند مدار در ابعاد مشاوره ای، مالی، نهادی و غیره.

نگاره (۴): پنداره سیستمی دانشگاه و آموزش عالی (اقتباس از سلطانی، ۱۳۷۶)

– ترویج فرهنگ کارآفرینی در سطح جامعه از طریق معرفی و ارج نهی به کارآفرینان برتر بسان قهرمانان ملی اقتصادی – اجتماعی.

رویکرد دستاوردی: صاحب نظران مختلف، بسته

در جایگاه مدیریت کارآفرین در سطح جامعه در زیربخش های مختلف اقتصادی ایفای نقش نماید. رویکرد دوم به مراتب از رویکرد نخست که مصداق دانشگاه کارآفرینانه در شمایل کارآفرینی تشکیلاتی و سازمانی، گسترده تر و تأثیرگذارتر است و با الگوی دانشگاه کارآفرین در شمایل کارآفرینی اجتماعی همساز است. نقش آفرینی مورد انتظار، به دلایل زیر، جایز اهمیت است:



به رویکرد مورد نظر، دستاوردهای متعددی را برای کارآفرینی برشمرده اند. موسوی مشهدی (۱۳۸۲) بر پایه باورداشت نقش کارآفرینی در توسعه صنعتی و اقتصادی، افزایش نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال، راه اندازی و توسعه ظرفیت کسب و کارهای خرد و متوسط، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه و در نتیجه، افزایش ثروت ملی را از مهمترین آثار توسعه کارآفرینی برشمرده اند. هر چه باشد، کارآفرینی در کاهش بیکاری، خصوصاً بیکارتی دانش آموختگان، افزایش بهره وری و کارایی و توسعه منابع انسانی بهرمانی قابل ملاحظه دارد (آراسته، ۱۳۸۲). ایجاد اشتغال و تحقق رفاه (توسعه اجتماعی) از جمله دستاوردهای قابل ملاحظه کارآفرینی است که توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان را به خود جلب می نماید (داریانی، ۱۳۸۲). بطور کلی، درآمد زایی و تولید ثروت، نوآوری (تولید و عرضه کالا و خدمات جدید) و توسعه دانش و فناوری، رشد پویای اقتصادی، تغییر و تحول سازنده اجتماعی، توانمندسازی و ظرفیت سازی مواردی از این دست (Morris, M., ۲۰۰۶)، از جمله برآمدها و پیامدهای مورد انتظار مشارکت نهاد دانشگاه و نظام آموزشی در توسعه و مدیریت کارآفرین در فرآیند بالندگی پایدار ملی، به شمار می رود.

– ارتقای جایگاه دانشگاه در مقام یک نهاد کنشگر اجتماعی، نقش آفرین، هنجارساز و پیشرو و بهبود پیوندهای دانشگاه با جامعه در راستای پاسخگویی و تعهد نهادی در قبال توسعه ملی و گذار الگوی نهادی ناکارآمد نقش پذیر، پیرو و هنجارپذیر، منفعل و جزیره مانند برخاسته از سنت منسوخ برج عاج نشینی دانشگاهیان

– جذب ایده ها و جلوگیری از هزروزی و فرسایش ایده های کارآفرینانه بسان نمودگارهای ارزشمند سرمایه فکری در جامعه و تلاش برای مدیریت مالکیت معنوی ایده ها و نوآوری ها

– ساساماندهی و هدایت ایده های کارآفرینانه در راستای بهره گیری بهره ورانه از فرصت ها و مزیتها جهت دستیابی به توسعه پایدار ملی.

– به سرانجام رساندن موفقیت آمیز دستاوردهای نظام آموزش عالی از طریق مهیا سازی بستر کارآفرینی برای دانش آموختگان توانمند.

– پرورش ایده های کارآفرینانه در راستای رشد و نمو کسب و کارها جهت ثروت زایی، ارزش زایی، بهره گیری از فرصت ها و مزیت های نسبی و تلفیق نوآوری ها و فناوری ها در راستای پویایی اقتصادی.

– کانالیزه کردن سرمایه های سرگردان و هدایت جریان های سرمایه گذاری در کسب و کارهای مولو و کارآفرین.

– جلوگیری از فرسایش کسب و کارهای کارآفرینانه

به لحاظ ماهیتی، برخی از موارد برشمرده شده، نظیر راه اندازی کسب و کار، درآمدزایی، نوآوری و اشتغال مولد را میتوان دستاوردهای کارآفرینی نامید. این دستاوردها، نتایج بلافصل فرآیند کارآفرینی به شمار می روند و منافع آنها بیشتر نصیب خود کارآفرینان می شود. در حالیکه برخی از موارد، نظیر تولید ثروت، رشد اقتصادی، توسعه رفاه و عدالت اجتماعی، پیامدهای کارآفرینی محسوب می شوند. پیامدهای کارآفرینی از هم افزایی و انباشت دستاوردهای کارآفرینی در سطح وسیع تر حاصل شده و منافع حاصله به کل جامعه بر می گردد و دستیابی به آنها تا حدی زمان بر بوده و نیازمند فراهم بودن بستر و مولفه های مکمل است. دستیابی به دستاوردهای برشمرده شده و بروز پیامدهای مورد انتظار از رهگذر فرآیندهای پویا و چند کنشگرانه ممکن می شود و دانشگاه تنها یکی از مجموعه کنشگران بهرمان دار در شبکه سامان دهنده فرآیند مزبور به شمار می رود. در این صورت نیاز است کنش و برهمکنش های هماهنگ و هم افزایانه بین دانشگاه و سایر کنشگران شبکه شکل گیرد و بستر و فضای سیاسی و سیاستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حمایتی و نهادی لازم مهیا باشد تا بتوان بهره وری و بازده مطلوب را از کنشگری دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی انتظار داشت.

رویکرد کارکردی: به لحاظ کارکردی، بانک جهانی (۱۹۹۵) دانشگاه ها را واحدهای تولیدی چند ستاده ای معرفی می کند که محصول آنها آموزش، پژوهش و خدمات عمومی و دیگر فعالیت های اجتماعی می داند (ساحتی، ۱۳۸۲) به نقل از کری، (۱۹۹۹). تولید دانش (پژوهش)؛ انتقال دانش (آموزش)؛ و اشاعه و نشر دانش (خدمات)؛ سه کارکرد مجموعه های دانشگاهی یا نظام آموزش عالی امروزین به شمار می روند. آموزش عالی و بطور مشخص، دانشگاه ها از طریق خدمات آموزشی و پژوهشی به جامعه خویش ارایه خدمت می کند. اما این نهاد، علاوه بر دو کارکرد یاد شده، از طریق کارکرد خدمات برون رسانی به جامعه غیر دانشجوی نیز، ارایه خدمت می کند. لازم به ذکر است که در مورد این کارکرد، یعنی ارایه خدمات مستقیم دانشگاه ها به اجتماعات برای مدت ها از سوی موسسات آموزش عالی سنتی بویژه دانشگاه های اروپا، مورد توجه و مد نظر نبود تا این که در قرن نوزدهم آمریکا با ایجاد موسساتی با عنوان کالج های لندگرنات بنیاد آموزش عالی مبتنی بر اجتماع را پایه ریزی نمود.

ولی این سنت و نوآوری دانشگاه های آمریکای شمالی، یعنی ارایه خدمات دانشگاهی به جامعه، باعث ترغیب دانشگاه های اروپا برای بهره مندی مستقیم اجتماعات از دانشگاه را موجب شده است و در این زمینه نقد و بررسی های زیادی در بین دانشگاهیان وجود دارد (Van Den Hoogen, ۱۹۸۹). در واقع، این دانشگاه ها (کالج ها) با هدف خدمت به جامعه به عنوان یک کارکرد نظام آموزشی عالی آمریکا ایجاد شده اند. البته، هنوز در تعریف و توافق در مورد اینکه ترویج یا خدمات به عنوان یک کارکرد رسمی دانشگاه به شمار آید، مشکلاتی وجود دارد.

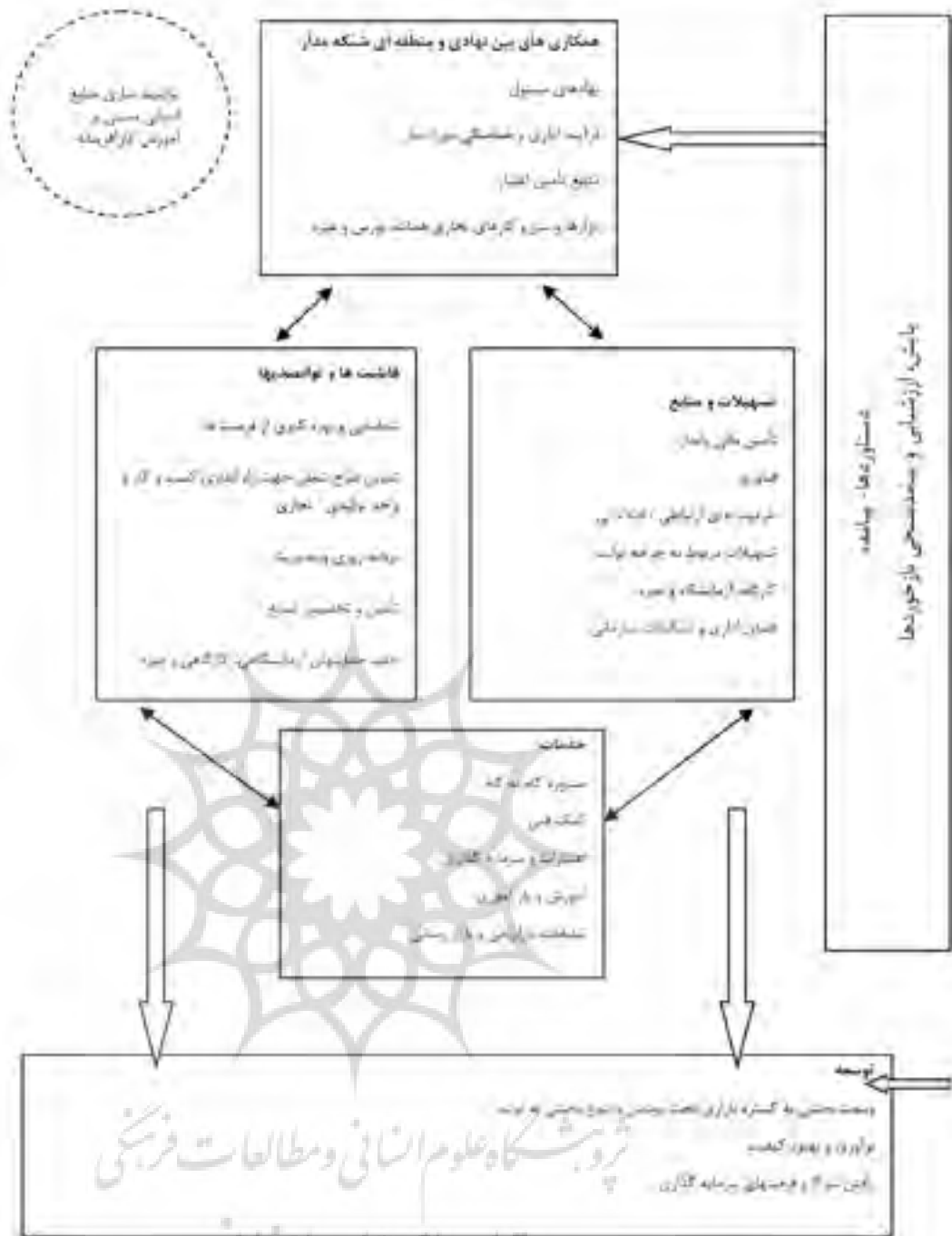
کارآفرینی دانشگاه
دانشگاه کارآفرین
فعالیت های کارآفرینانه از سوی دانشگاه

توسعه کارآفرینی در دانشگاه های ایران

نگاره (۶) سازه ها و مولفه های برسازنده فرآیند توسعه کارآفرینی

نقش خدمات برون رسانی دانشگاه از این برمی خیزد که دانشگاه ها به عنوان یک منبع مرتبط و شایسته در دانش در جریان مواجه با مسایل اجتماعی هستند (Bonnen, ۱۹۹۸). دانشگاه های پویا در قرن بیست و یکم دانشگاه هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش های تخصصی و مدیریتی را بهروراند و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه های چنین دانشگاه هایی می توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه بندی با ثبات و پایداری مالی و نهادی اشاره نمود (آراسته به نق از کلارک، ۱۳۸۲). از بین آرایه های مزبور، توازن کارکردی دانشگاه در فرآیند نقش آفرینی در توسعه کارآفرینی جای بحث دارد. نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی می تواند گونه های کارکردی مختلفی را به خود گیرد، به نحوی که می توان چنین نقش آفرینی ای را بر روی یک پیوستار، از فعالیت های کارآفرینی دانشگاه (از محل ارایه خدمات جهت توسعه کارآفرینی) تا دانشگاه کارآفرین (تلفیق کارآفرینی در کارکردهای آموزش یا تدریس بر مبنای راهبردهای تدریس – یادگیری، پژوهش و خدمات دانشگاهی) و نیز دانشگاه بسان کارآفرین یا کارآفرینی دانشگاه ترسیم نمود. این مقوله در رویکرد سیستم فرآیندی تشریح شده است (Zhou and Etkowitz, ۲۰۰۴). در این بین، آنچه که حائز اهمیت است همانا مقوله توازن کارکردی دانشگاه است که می تواند زمینه ساز نقش آفرینی این نهاد در توسعه کارآفرینی

نگاره (۶) سازه ها و مولفه های برسازنده فرایند توسعه کارآفرینی



آموزشی، جهت گیری کارآفرینانه در پژوهش های دانشگاهی و یا مشارکت دانشگاه در فرآیند توسعه فناوری با رویکرد کارآفرینانه در قالب پارک های علم و فناوری و مراکز رشد دانشگاهی، و آرایه خدمات به جامعه جهت ترویج و تسهیل توسعه کارآفرینی، بهسازی ظرفیت های نهادی، کاربردی الگوهای مدیریتی و ساخت ساختارهای مورد نیاز با هدف نقش آفرینی در فرآیند توسعه کارآفرینی از جمله الزامات مرتبط با حلقه فرآیندی به شمار می آید. جذب اعتبارات و امکانات از دستگاه ها و منابع تأمین کننده در پرتو برقراری روابط نهادی تکثرگرا و شبکه مدار، پایش، ارزشیابی، پیامدسنجی و رسانش و کسب بازخوردهای لازم پیرامون تحولات تأثیرگذار و جریان تقاضاها برای دستاوردهای دانشگاه و فرصت های موجود، تدبیرگری راهبردی آینده نگر، کیفیت پروری و تلاش هدفمند برای ایفای نقش رهبری نهادی در فرآیند نهضت گونه توسعه کارآفرینی از جمله ملزومات رویکرد فرآیند مدار به نقش آفرینی سیستم دانشگاه در توسعه کارآفرینی به شمار می رود.

لازم به ذکر است که پیوند و ارتباطات حلقه های برشمرده خطی نیست، بلکه چرخه ای، تعاملی و تکرارپذیر است. برای نمونه، پرورش دانش آموختگان کارآفرین از رهگذر تلفیق کارآفرینی در کارکرد آموزش و یا تسهیل راه اندازی کسب و کار از سوی کارآفرینان مستعد از طریق کارکرد خدمات اجتماعی دانشگاهی به نوآوری، فناوری و درآمدزایی، تولید ثروت و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد انجامید و در نتیجه، امکان دسترسی دانشگاه به منابع مالی و اعتباری فراهم می شود. همچنین، بهبود کیفیت ستادهای از جمله در شمایل دانش آموختگان کارآفرین، نوآوری، دانش و فناوری به تعالی اعتبار اجتماعی و نهادی دانشگاه و افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه و فرصت زایی بازمدارانه برای بهره گیری از خدمات دانشگاه خواهد انجامید.

پیاده سازی ساز و کارهای برشمرده شده، تلفیق کارآفرینی در تار و پود سامانه دانشگاه شده و در نتیجه، تعالی جایگاه دانشگاه بر روی پیوستار توسعه کارآفرینی، از پرداختن به فعالیت های کارآفرینانه تا ایفای نقش کارآفرین از سوی دانشگاه یا کارآفرینی دانشگاه، را در پی خواهد داشت. (نگاره ۵)

الزامات نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کارآفرینی بیشتر اشاره شد که کارآفرینی یک رفتار و پدیده پویا است که پدیدار گشتن آن نیازمند هموار بودن زمینه و بستر است. همچنین به ثمر نشستن آن متأثر از سازه های بر سازنده است. بواقع، توسعه کارآفرینی یک رفتار تکامل یابنده است. هر چه باشد، توسعه کارآفرینی در خلأ صورت نمی گیرد، بلکه نیازمند ساختارسازی و پیگیری برنامه مند کارکردهای حمایتی و فراهم بودن زمینه های مساعد است (Reynolds, et al, ۲۰۰۴). دسترسی به خدمات مورد نیاز، تسهیلات و منابع اعتباری و هماهنگی و همکاری منسجم بین نهادهای مربوطه، فارغ از دیوانسالاری ناکارآمد، از یک سو و توانمندسازی کارآفرینان در قالب

توسعه کارآفرینی نیاز است که ملزومات مربوط به مولفه های مختلف شاگله نظام دانشگاه و پیوندهای بینابینی آنها شناسایی شود و در مورد هر کدام از مولفه ها، ساز و کارهای مقتضی در دستور کار قرار گیرد. از لحاظ فرآیندی نیز می ایستاستلزامات جهت گیری کارآفرینانه در چرخه پیوستار گونه گردش سیستم دانشگاه بر مبنای هم وابستگی پویای حلقه های شاگله، شامل درونداد، فرآیند، برونداد (دستاورد)، پیامد و بازخورد در نظر گرفته شود.

نگاره (۷) چرخه کارکردی نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی

پیش از این، در مبحث رویکرد دستاوردی، در مورد دستاوردها و پیامدهای نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی بحث به میان آمد. همچنین، در مبحث رویکرد کارکردی، تا حدی الزامات جهت گیری کارآفرینانه دانشگاه در بعد فرآیندی برشمرده شد. تلفیق کارآفرینی در نظام

افزایانه و پویا در کنش و بر هم کنش مستمر بسر می برند (نگاره ۴). با توجه به برخورداری دانشگاه از چنین دستگاه آرایه و شناسه ای، مدیریت و گردش امور، اعمال تغییرات سازنده در نتیجه رویارویی با چالش های پیشاور، نیازمند رویکرد سیستمی و فرآیند مدار است. در راستای جهت دهی دانشگاه در مسیر

دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی مولد اندیشه، به واسطه پیوند تنگاتنگی که با سایر سیستم های پیرامونی دارد، به مثابه یک سیستم باز عمل می نماید و در عین حال خود به عنوان یک سیستم، دارای زیر سیستم ها و مولفه های شاگله ای است که به صورتی هم افزایانه و پویا در کنش و بر هم کنش مستمر بسر می برند

باشد (نگاره ۳).

رویکرد فرآیند سیستمی: دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی مولد اندیشه، به واسطه پیوند تنگاتنگی که با سایر سیستم های پیرامونی دارد، به مثابه یک سیستم باز عمل می نماید و در عین حال خود به عنوان یک سیستم، دارای زیر سیستم ها و مولفه های شاگله ای است که به صورتی هم

نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در پرتو پیگیری هدفمند، هماهنگ و برنامه مند یکسری کارکردها و کار ویژه ها به انجام می‌رسد. با توجه به پویایی و فرآیند مداری توسعه کارآفرینی، نقش آفرینی مزبور نیز در قالب یک فرآیند چرخه مانند و تکرار پذیر به انجام می‌رسد که به نوعی ترسیم کننده نقشه راه، روند گردش امور و توالی فعالیت های برنامه مند می‌باشد.

مرتبط با پیاده سازی ایده ها و کارآفرینی در عمل

- شناسایی کارآفرینان موفق
- توسعه و ترویج
- مستندسازی ایده ها و آموزه ها
- نشر و اشاعه آموزه ها
- شناسایی، معرفی، تدوین و ثبت شناسنامه کارآفرینی برای کارآفرینان موفق
- دعوت از کارآفرینان موفق در جهت بهره گیری از آنها
- تشکیل هسته های کارآفرینان موفق و شبکه سازی مبتنی بر پیوند هسته ها و سایر مراکز پیاده سازی طرح مزبور و تحقق کار ویژه های مورد انتظار نیازمند فراهم بودن یک سری شرایط اداری - نهادی و نیز انجام هماهنگی های لازم است. عمده این ملزومات را میتوان به قرار زیر برشمرد:
- ساماندهی و تقویت مرکز کارآفرینی دانشگاه حول محورهای زیر:
- تدوین چشم انداز، مأموریت ها و رسالت ها و کارکردهای مرکز

- ارزیابی و پالایش ایده ها بر اساس معیارهای کارآفرینی و امکان پذیری
- مشاوره جهت تدوین طرح کارآفرینی
- ثبت و مستند سازی ایده های مناسب جهت مدیریت مالکیت معنوی ایده ها و تشکیل بانک ایده کارآفرینانه
- آموزش و مهیاسازی ایده داران در زمینه تخصصی و راه اندازی و مدیریت کسب و کار
- ۳- بسترسازی و تسهیلگری
- فراخوان سرمایه گذاری مرتبط با ایده های کارآفرینانه: راه اندازی بورس ایده
- شناسایی و دعوت از سرمایه گذاران و برقراری تعامل بین آنها و صاحبان ایده
- معرفی صاحبان ایده به سازمان ها و دستگاه های اجرایی مربوطه
- معرفی مشاور ناظر کارآفرینی
- ۴- راه اندازی و مدیریت کسب و کار
- پایش کسب و کارها و طرح های کارآفرینی
- ارائه خدمات مشاوره ای به کارآفرینان
- تحلیل قوتها، ضعف ها و فرصتها و تهدیدهای

طرح کار، راه اندازی مراکز کارآفرینی دانشگاهی اشاره نمود. نهادینه سازی کنشگری سامان مند دانشگاه ها نیازمند ترسیم و تبیین الگوی نقش آفرینی کار آ در قالب این مراکز است. با توجه به مباحث صورت گرفته، می‌بایست افزود که نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در پرتو پیگیری هدفمند، هماهنگ و برنامه مند یکسری کارکردها و کار ویژه ها به انجام می‌رسد. با توجه به پویایی و فرآیند مداری توسعه کارآفرینی، نقش آفرینی مزبور نیز در قالب یک فرآیند چرخه مانند و تکرار پذیر به انجام می‌رسد که به نوعی ترسیم کننده نقشه راه، روند گردش امور و توالی فعالیت های برنامه مند می‌باشد. بر این اساس، در نگاره (۷) الگوی کارکردی نمایان نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی ترسیم شده است. بدیهی است که پیاده سازی این الگو و چرخه، نیازمند برآوردن استلزامات مربوطه است که در ادامه فهرست شده اند. لازم به ذکر است توسعه کارآفرینی یک فرایند و پیوستار است، چرا که ایده‌ها و کارآفرینی یک فرایند و پیوستار است، چرا که ایده ها و کارآفرینان بالقوه از محیط و جامعه به چرخه مزبور وارد می‌شوند و پس از پرورده شدن و پرورش یافتن و بالندگی، مجدداً پیامدها و دستاوردهای این چرخه به محیط پیرامونی، نهادها و نظام های مربوطه و جامعه بر می‌گردد. از جمله این پیامدها می‌توان به تولید ثروت، رفاه، پویایی اقتصادی، نوآوری و توسعه فناوری و در کل، پویایی اقتصادی - اجتماعی و بالندگی جامعه اشاره نمود. بدیهی است همانطور که پیشتر بیان شد، بالندگی جامعه سبب ساز فراهم شدن محیط یا گهواره ای می‌شود که در آن نطفه های جنینی کارآفرینی در قالب ایده ها و نوآوری ها شکل می‌گیرد و این نطفه ها به عنوان درونداد وارد چرخه پرورش کارآفرینی مستقر در مرکز کارآفرینی دانشگاه شده یا بواقع گهواره کارآفرینی می‌شوند و انتظار می‌رود که در این چرخه گهواره مانند، کارآفرین پرورده شود. با این حال رها کردن کارآفرینان پس از این مرحله همانند رها کردن کودک در یک محیط متلاطم است. بنابراین لازم است که حمایت ها و تسهیلگری های لازم برای رشد و نمو کارآفرینان و بلوغ آنها جهت دستیابی به دستاوردهای مورد انتظار و بروز پیامدهای برشمرده شده تداوم یابد. بر پایه نگاره ترسیم شده، نقش آفرینی دانشگاه فرآیند توسعه کارآفرینی مستلزم کارکرد مجموعه ای از مولفه ها است که از نظم چرخه ای پیروی می‌نمایند.

تحقق مولفه های مزبور مستلزم اجرای برنامه مند مجموعه ای از کارویژه ها است. در ادامه، کارویژه های مرتبط با هر مولفه فهرست شده است.

شبکه‌های کارآفرینی در بخش ها و زیربخش های مختلف از جمله ملزومات توسعه کارآفرینی به شمار می‌رود: (Armstrong, p., 2005; Kreft, Steven F., and Russell S. Sobel., 2005) مورد دیگری که در این راستا قابل ملاحظه است، همانا پرورش بینه و قابلیت کارآفرینی است که در مولفه خبرگی و مهارت تبیین شده است (نگاره ۶). در این راستا، دو بعد بهم پیوسته و دیالکتیک را را می‌توان برای توسعه کارآفرینی برشمرد. بواقع، توسعه کارآفرینی از دیالکتیک این دو بعد حاصل می‌شود. یک بعد، متوجه آموزش و پرورش کارآفرینی است که تبلور پرورش قابلیت های حرفه ای کارآفرینانه یا توسعه منابع انسانی با رویکرد کارآفرینانه است و بعد دیگر، از فراهم بودن زمینه و تسهیلگری برای بالفعل سازی قابلیت های کارآفرینانه یا توانمندسازی و ظرفیت سازی کارآفرینانه حکایت می‌نماید. هر دو بعد حایز اهمیت می‌باشند، چرا که در صورت بود قابلیت های کارآفرینانه در شمایل دانش آموختگان و نیروی کار ماهر و مبتکر (بعد نخست) و نبود زمینه ها و شرایط لازم (بعد دیگر)، هرزروی و فرسایش منابع انسانی کارآفرین و نیز اتلاف سرمایه گذاری نهادی صورت گرفته برای بالندگی سرمایه انسانی محتمل است.

دیدگاه سیستمی و کلیت گرایانه ایجاب می‌کند که سازه های سازنده و بر سازنده و بستر فرآیند توسعه کارآفرینی، ساختار و کارکرد نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند مزبور و نیز سایر کنشگران نهادی درگیر در این فرآیند در سطوح و بخش های مختلف و پیوندهای بینایی به حساب آید. با توجه به چندگانگی مولفه ها و تکرر کنشگران نهادی درگیر در فرآیند توسعه کارآفرینی، شبکه سازی در پرتو راهبرد ملی توسعه کارآفرینی جهت هدایت هم افزایانه و هماهنگ کارکردها، بسیج منابع و تسهیم منافع ضروری می‌نماید. در این بین دانشگاه می‌تواند و می‌بایست بسان نهاد پیشرو در مقام طراح و راهبر شبکه ملب کارآفرینی بر پایه جنبش های توسعه کارآفرینی ایفای نقش نماید. مراکز دانشگاهی در پیوند با سایر کنشگران و کارگزاران در سطوح و مناطق مختلف، گره ها و تار و پودهای مورد نیاز برای سامان یافتن یکپارچه شبکه مزبور را فراهم می‌آورند. ایفای چنین نقشی، نیازمند بهسازی ظرفیت های دانشگاهی و تدوین طرح راهبردی همچون نهضت کارآفرینی دانشگاهی و تدوین طرح راهبردی همچون نهضت کارآفرینی دانشگاهی برای کنشگری موثر و کارآمد دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در پرتو شبکه مزبور می‌باشد. در ادامه تلاش شده است تا الگوی ساختاری نمایان مسیر نقش آفرینی مورد انتظار از دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی مورد انتظار از دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی ترسیم شود.

نقشه راه نقش آفرینی نهادمند دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی

با توجه به ضرورت نقش آفرینی در جریان توسعه کارآفرینی، دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ساز و کارهایی را در این زمینه اندیشیده است که از آن جمله می‌توان به حرکت در راستای



کارآفرینی دانشگاهی موجود

- تلاش برای راه اندازی مراکز کارآفرینی در تمامی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور - شناسایی و ارتباط با مخاطبان و گروه های هدف؛ دانشجویان، دانش آموختگان، تشکلیها و سازمان های نوآور برخوردار از ایده، سرمایه گذاران علاقمند و...

- تأمین نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز - راه اندازی پایگاه اینترنتی و نظام مدیریت اطلاعات کارآفرینی

- شناسایی و برقراری ارتباط با نهادها و دستگاه های ذیربط

- پیمایش مستمر فرصت های کارآفرینی (فرصت شناسی) در بخش های مختلف

- اطلاع رسانی و فرهنگ سازی: تدوین نهضت رسانه ای در زمینه کارآفرینی

- ارائه خدمات آموزشی و ترویجی و مشاوره ای در زمینه کارآفرینی به صاحبان ایده، کارآفرینان مستقل، سازمانی و اجتماعی و دستگاه ها و سازمان های متقاضی

- تشکیل شبکه کارآفرینان و هسته های کارآفرینی در زیربخش های مختلف اقتصادی

- ساماندهی کمیته های تخصصی مورد نیاز - زمینه یابی و تلاش برای تشکیل، بانک ایده، بورس ایده و صندوق ملی کارآفرینان

- تلاش برای تهیه طرح مدیریت مالکیت معنوی ایده ها و تصویب آن در مراجع قانونی ذیصلاح - اولویت گذاری و هدایت تحقیقات کارآفرینی با تأکید بر مطالعات زمینه یابی، پایش و ارزشیابی و پیامد سنجی

- معرفی و شناساندن طرح و اطلاع رسانی عمومی پیرامون اهمیت، فرایند و دستاوردهای مربوطه جهت جلب حمایت های نهادی و عمومی

- گسترش همکاری های نهادمند با سایر سازمان ها، دستگاه ها و وزارتخانه ها و تلاش جهت ضابطه من نمودن این همکاری ها از طریق راه اندازی دفاتر همکاری های کارآفرینانه دانشگاهی در دستگاه ها و سازمان های مزبور با اختیارات قانونی و منابع مورد نیاز

- قانونمندی سازی و ضابطه نمودن اقدامات، تلاش ها و همکاری ها از طریق تلاش برای تهیه و تصویب لایحه آیین نامه ای در مراجع قانونی ذیصلاح در هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص ملزم بودن دستگاه ها و وزارتخانه ها به انجام همکاری های مزبور، تأسیس واحدهای برشمرده شده و تأمین اعتبارات مورد نیاز جهت سرمایه گذاری کارآفرینانه در قالب تخصیص منظم درصدی از اعتبارات و بودجه های مربوطه به پیاده سازی ایده های کارآفرینانه معرفی شده از سوی مرکز کارآفرینی

- تصویب بهره گیری مرکز کارآفرینی از بخشی از بودجه ها و اعتبارات تخصیص یافته جهت تأمین مالی و خودتکالیبی در گردش امور

- شبکه سازی: برقراری پیوند بین مراکز کارآفرینی دانشگاهی، پارک های علم و فناوری و موسسات ذیربط در سطح کشور و نیز در سطح بین المللی نتیجه گیری

دانشگاه بسان یک نهاد اجتماعی در قبال توسعه ملی متعهد می باشد و این تعهد در پرتو نقش آفرینی پویا بر پایه کارکردهای مورد انتظار به انجام می رسد. همچنین، نهاد دانشگاه بسان یک سامانه باز، از رابطه دیالکتیکی پویا و متعادل با محیط پیرامونی و ابر نظام های محاط، نهادها و نظام های همکار برخوردار است. دانشگاه های پویا در قرن بیست و یکم، دانشگاه هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش های تخصصی و مدیریتی را بهروراند و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه های چنین دانشگاه هایی می توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه بندی باثبات و پایداری مالی و نهادی

اساسی است. تحقق نقش آفرینی مورد انتظار از دانشگاه، باز تعریف رسالت ها و تدوین کارکردها، تعیین کارویژه ها و مهیا سازی استلزامات ساختاری - نهادی مورد نیاز را ایجاب می نماید. از یک منظر سیستمی و کلیت گرایانه، کارآفرینی یک پدیدار فرآیند گونه است که در رشد و نمو پیوستار گونه آن، از زایش ایده تا رشد و توسعه، کنشگران متعددی درگیر می باشند. هر چند نیاز است که جهت تسهیل و توسعه کارآفرینی به شبکه سازی تکثرگرا جهت هماهنگ سازی کنشگری نهادهای ذیربط مبادرت شود، با این حال نقش دانشگاه در چنین شبکه ای می تواند و می بایست محوری باشد، به نحوی که دانشگاه بر اساس کارکردهای چندگانه، شامل آموزش، پژوهش و خدمات برون رسانی و اجتماعی دانشگاهی، نقش پیشرو، تسهیل گر، مدیر و هماهنگ ساز فرآیند توسعه کارآفرینی را ایفا نماید. ایفای چنین نقشی، استلزامات ساختاری و کارکردی خاص خود را در پی دارد. از بعد

از یک منظر سیستمی و کلیت گرایانه، کارآفرینی یک پدیدار فرآیند

گونه است که در رشد و نمو پیوستار گونه آن، از زایش ایده تا رشد و توسعه،

کنشگران متعددی درگیر می باشند. هر چند نیاز است که جهت تسهیل و

توسعه کارآفرینی به شبکه سازی تکثرگرا جهت هماهنگ سازی کنشگری

نهادهای ذیربط مبادرت شود، با این حال نقش دانشگاه در چنین شبکه

ای می تواند و می بایست محوری باشد، به نحوی که دانشگاه بر اساس

کارکردهای چندگانه، شامل آموزش، پژوهش و خدمات برون رسانی و

اجتماعی دانشگاهی، نقش پیشرو، تسهیل گر، مدیر و هماهنگ ساز فرآیند

توسعه کارآفرینی را ایفا نماید.

کارکردی می توان به تلفیق کارآفرینی در نظام آموزشی و یا به عبارت دیگر، آموزش کارآفرینانه، تحقیق، توسعه و فناوری کارآفرینانه و ترویج و خدمات دانشگاهی با رویکرد کارآفرینی در سطح جامعه با تمرکز بر نقش تسهیلگرانه اشاره نمود. از بعد ساختاری و نهادی نیز می توان به راه اندازی واحدهای نهادی و تشکیلاتی، بازتعریف سیاستها و گسترش ساز و کارهای پیوند شبکه مند با نهادها و دستگاههای ذیربط اشاره نمود. در هر حال نیاز است دانشگاه ظرفیت های کنشگری کارآفرینانه خویش را با شناسد و بر پایه یک نقشه راه راهبردی و انعطاف پذیر، در فرآیند توسعه کارآفرینی موثر و کارآمد عمل نماید. همچنین لازم است هر دانشگاه به تدوین رهیافت ترویج کارآفرینی و فراهم سازی ملزومات عملیاتی سازی آن بپردازد و با توان کارکردی، جهت گیری های کارآفرینانه را در تمامی کارکردها و مولفه های شاکله درآمیزد. در این صورت است که دانشگاه بسان نهاد کارآفرین

اشاره نمود (آراسته، ۱۳۸۲). همچنین، نیاز است که کارگزاران دانشگاهی، به آینده نگری اقتصادی در تدوین راهبردها، تبیین رسالت ها و مأموریت ها با رویکرد تقاضامدارانه و بازارگرایانه، سرمایه گذاری در کیفیت، ظرفیت سازی نهادی برای گردش شایسته سالارانه امور بر مبنای کاربست الگوهای سازمانی نوآور، نظیر سازمان های یادگیرنده و مدیریت کیفیت فراگیر آموزشی، بر مبنای کاربست فناوری های اطلاعات و ارتباطات در شمایل دانشگاه مجازی و الکترونیکی، یادگیری الکترونیکی و غیره، تلفیق نوآوری ها و فناوری های آموزشی و شبکه سازی چند سطحی بر پایه طراحی و کاربرد سازو کارهای پیوندی اهتمام ورزند تا پایداری نهادی پویای سیستم دانشگاه همساز با جریان نیروهای تحول زای تأثیرگذار ممکن شود.

در بین آرایه ها و جهت گیری های برشمرده، نقش آفرینی موثر دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در بخش های مختلف اقتصادی جایز اهمیت

پرور و نیز بسان کنشگر کارآفرین می تواند در راستای تحقق جامعه کارآفرین، به مهندسی و معماری کارآفرینی در سطح جامعه مبادرت ورزد. یادداشت ها

۱- نیکولاس ماکسول. «آیا فیلسوفان دوستدار فرزانی هستند؟» (ترجمه علی ملانکه). روزنامه شرق، بخش اندیشه، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳ سال اول - شماره ۱۸۷.

منابع

۱- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). «کارآفرینی و آموزش عالی: اصول و موانع» فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت. شماره ۲۹

۲- احمدپوردریانی، محمود (۱۳۸۲). «آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه ها را تغییر می دهد؟» فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت. شماره ۲۹.

۳- اسملسر، ریموند دابلیو و همکاران (۱۹۹۲) «سرمایه گذاری و کارفرمایی دانشگاه: نقش آموزش عالی ایالات متحده آمریکا در تجاری کردن تکنولوژی و توسعه اقتصادی». (ترجمه محسن حکیمی). فصلنامه سیاست علمی و

پژوهشی. شماره پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۷۲.

۴- فراسختخواه، مقصود (۱۳۸۳). «دانشگاه در موج سوم: یادگیری برای عبور از بحران». فصلنامه علم و آینده، سال سوم؛ شماره ۹

۵- سامتی و همکاران (۱۳۸۲) «برآورد تابع تولید آموزش عالی دانشگاه های دولتی ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره پیاپی ۲۷ و ۲۸، صص ۱-۴۱.

۶- سلطانی، الف. (۱۳۷۶). «مدیریت آموزش عالی به عنوان یک قلمرو حرفه ای و زیربنایی». مجله مدیریت. شماره ۲۵.

۷- شریف زاده، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۵) تدوین الگوی نقش آفرینی نهادمند دانشگاه ها در فرایند مدیریت توسعه کارآفرینی. اولینت همایش ملی مدیریت کارآفرینی. تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران.

۸- مختاری اسکی، حمید رضا (۱۳۸۴). «نگرشی سیستمی به نقش تکنولوژی اطلاعات به عنوان پارادایمی جدید در اشتغال». آموزش های علمی - کاربردی - سال سوم، شماره هفتم و هشتم.

۹- وودهال. ام. (۱۹۹۲) «توسعه اقتصادی و آموزش عالی» (ترجمه بهشتی: ۱۳۷۳). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵، صص ۱۷۷-۱۹۳.

۱۰- یمینی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲). برنامه ریزی تویعه دانشگاهی: نظریه ها و تجربه ها. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.